

نشانه‌هایی از اسطوره‌ زایش در سنگ‌نگاره‌های نویافته تنگه بهرام چوبین

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۹/۲۱

تاریخ تصویب: ۹۳/۰۷/۲۸

اکبر شریفی‌نیا^۱

اکرم احمدی^۲

ندا قنبری^۳

چکیده

منطقه سیمره (شهرستان دره‌شهر) با وجود ارتفاعات کبیرکوه، از گذشته‌های دور تا کنون یکی از منابع غنی برای زیستن و تداوم حیات ساکنان بوده است. آثار فراوان برجای‌مانده از دوران مختلف تاریخی و فرهنگی گذشتگان، سندی بسیار محکم برای اثبات چنین ادعایی است. نگارندگان که برای بررسی آثار برجای‌مانده از دوره ساسانیان به تنگه بهرام چوبین رفته بودند، متوجه نگاره‌های صخره‌ای برجای‌مانده‌ای در این مکان شدند که قدیمی‌تر از آثار ساسانی این منطقه به‌نظر می‌رسیدند. بی‌گمان، این نگاره‌ها یادمان‌های مردمان ساکن در این منطقه بودند. این نگاره‌ها با توجه به شواهد، چرا و مسائل مربوط به دامداری و یا ارتباط بین انسان و حیوان (بز کوهی) را به ذهن منتقل می‌کنند. سؤالات اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

- این سنگ‌نگاره‌ها به چه دوره تاریخی تعلق دارند؟

- آیا این نقوش علاوه بر مباحث مربوط به گذران معیشت، بیان‌کننده اندیشه‌های اساطیری در این سرزمین هستند؟

فرضیه پژوهش این است که قدمت این سنگ‌نگاره‌ها به هزاره اول ق.م برمی‌گردد و فراوانی نقش بز کوهی در سایر آثار موزه‌ای این منطقه، وجود یک اندیشه اساطیری به نام «اسطوره زایش» را در فرهنگ و هنر این مردمان نشان می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهند که این سنگ‌نگاره‌ها به احتمال فراوان به هزاره اول ق.م متعلق هستند و در این هزاره، اسطوره زایش براساس شواهد و مدارک، در آثار برجای‌مانده از آن‌ها نمود یافته است. این پژوهش را با روش توصیفی و تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات با مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای انجام داده‌ایم.

واژگان کلیدی: سنگ‌نگاره، شهرستان دره‌شهر، تنگه بهرام چوبین، اسطوره زایش، هزاره اول ق.م.

۱. کارشناس ارشد باستان‌شناسی (گرایش دوره اسلامی)، دانشگاه تربیت مدرس. a.sharifinia@modares.ac.ir

۲. کارشناس ارشد هنر اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس. a.ahmadi3775@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد باستان‌شناسی (گرایش دوره اسلامی)، دانشگاه تربیت مدرس. neda_ghanbari8613@yahoo.com

مقدمه

هنر صخره‌ای^۱ در مفهوم امروزی، فقط دربرگیرنده نگاره‌هایی است که نقشمایه‌های عمده آن‌ها تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری، حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان، به صورت تک‌نگاره یا در صحنه‌ها و مجالس شکار، نبرد، رقص و مراسم اجتماعی و آیینی هستند و تکنیک اجرایی این نقوش، به صورت کنده-نگاری^۲ است (رضایی و جودی، ۱۳۸۹: ۳). این هنر توانسته است جلوه‌های شناخته‌شده از حساسیت هنری و زیبایی‌شناختی اجداد دور انسان را در بسیاری از نقاط جهان با بیانی معنادار به نمایش بگذارد (رفیع فر، ۱۳۸۱: ۴۶). سنگ‌نگاره‌ها یا هنرهای صخره‌ای کهن‌ترین آثار تاریخی و هنری به‌جامانده از بشر هستند و نقوش صخره‌ای ابزار بسیار مفیدی در زمینه مطالعات مردم‌شناسی و باستان‌شناسی محسوب می‌شوند؛ زیرا مستقیماً با فکر و اندیشه سازنده آن ارتباط دارند و از طریق آن‌ها می‌توانیم اصلی‌ترین اندیشه‌های حاکم بر ذهن سازندگان آن را دریابیم. در مسیر جاده شهرستان دره‌شهر به شهرستان پل‌دختر، در منطقه‌ای به نام «تنگه بهرام چوبین» که به نظر کارشناسان میراث فرهنگی به دوره ساسانی متعلق است، سنگ‌نگاره‌هایی بسیار فرسوده و ناسالم کشف کردیم. خطر نابودی که گریبان‌گیر چنین آثاری است ما را واداشت که در این زمینه به نگارش مطالبی پردازیم و پیش از نابودی این آثار، برای ثبت و ضبط آنها در خاطر مخاطبان آینده، گام مؤثری برداریم. این نخستین پژوهشی است که به بررسی چنین آثاری در این منطقه می‌پردازد و در نوع خود بدیع و البته همراه با ایراداتی است که از تخریب شدید آثار صخره‌ای و نبود منابع مطالعاتی کافی در مورد گذشته شهرستان دره‌شهر یا همان سیمره ناشی می‌شود. سؤالات پژوهش عبارت‌اند از:

- این آثار علاوه بر نشان دادن شیوه معیشتی این منطقه، بیانگر چه اندیشه‌ای هستند؟

- آیا این آثار می‌توانند نماینده وجود یک اندیشه اساطیری باشند؟

این مقاله را با هدف جلوگیری از نابودی و فراموشی چنین هنری در این منطقه و پاسخ به سؤالات بالا، به نگارش درآوردیم.

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی، تحلیلی است و اطلاعات آن را به صورت میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری کردیم.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های نقوش صخره‌ای ایران توسط پژوهشگران ایتالیایی آغاز شده است. در سال ۱۹۵۸، زمانی که گروهی از زمین‌شناسان ایتالیایی برای کشف و استخراج مواد معدنی در منطقه بلوچستان مشغول به کار بودند، تعدادی نقوش صخره‌ای را در منطقه گزو کشف کردند. این کشفیات نقطه آغاز مطالعات سنگ‌نگاره‌های ایران شد (بیک‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۲). سنگ‌نگاره‌های ارسباران، نوشته جلال‌الدین رفیع (۱۳۸۴) و موزه‌هایی در باد، نوشته مرتضی فرهادی (۱۳۷۷) و مقالاتی چون «گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت»، نوشته مک بورنی و ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان (۱۳۴۸)، «نقوش صخره‌ای کوه قلعه‌بزی اصفهان»، نوشته سیروان محمدی قصریان (۱۳۸۵) و ... از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سنگ‌نگاری هستند. تاکنون در مورد سنگ‌نگاره‌های تنگه بهرام چوبین و بررسی فرهنگی و هنری آنها، پژوهشی انجام نشده است و این پژوهش نخستین پژوهش در این زمینه به‌شمار می‌رود.

وضعیت جغرافیایی - تاریخی دره‌شهر

دره‌شهر از توابع استان ایلام، در ۱۴۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان ایلام و ۳۵ کیلومتری غرب شهرستان پل‌دختر، به عرض و طول جغرافیایی ۳۳

درجه و ۷ دقیقه و ۴۷ درجه و ۲۱ دقیقه، در شرق ویرانه‌های شهر تاریخی سیمره قرار دارد (تصویر ۱). براساس کاوش‌های صورت‌گرفته در تپه‌های این شهرستان (تیغن، سرگچله و چغاسبز)، قدمت آن به هزاره سوم و دوم ق.م برمی‌گردد (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸: ۵۳-۵۹). بنابر آنچه در جغرافیای موسی خورنی آمده، در تقسیمات کشوری دوره ساسانی، هنگام سلطنت خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹)، سیمره جزو کوست خوربران بوده است (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۴۶۲). در بسیاری دیگر از منابع، تنها از خاندن فیروزان (دوره ساسانی)، به‌عنوان حاکمان این منطقه یاد شده است (همان، ۴۶۳). آثار معماری و ساختمانی و آب‌بندها در تنگه چوبینه، منطقه ماژین در دامنه شمالی کبیرکوه و لارت در نزدیکی بدره و غرب دره‌شهر که با مصالحی مشابه ساخته شده‌اند، سیطره فرهنگ و هنر ساسانی را در سایه گسترده اقتدار سیاسی و نظامی این دوره نشان می‌دهند (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸: ۴۱-۴۵).



تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان دره‌شهر (نگارندگان)

در دوره اسلامی، بیشتر مورخان پشتکوه را «ماسبدان» و پیشکوه و سیمره را «مهرجان‌کذک» نام نهاده‌اند؛ به‌سخن دیگر، پایتخت ماسبدان را «شیروان» و مرکز پیشکوه را «دره‌شهر» انگاشته‌اند (همان، ۴۱-۴۵). ابن‌خردادبه و مقدسی هم سیمره را از ولایت مهرجان‌قذق می‌دانند (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۳). «... [مهرجان‌قذق که همان صیمره کمره باشد و ماه بصره که نه‌اوند است و ماه کوفه ...]» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۵۷۴). «تمام مسافرانی که به ناحیه سیمره آمده‌اند، مانند هرتسفلد، راولینسون، دمرگان و ...، این خرابه‌ها را دیده‌اند. شهر عجیبی است شاید متجاوز از پنج‌هزار خانه داشته، از ابتدای تنگ تا انتهای آن، یعنی دامنه کوه، آثار بنا از گچ و سنگ نمایان است» (Stein, 1940: 206-208). در سده سوم هجری، به‌دلیل پیشرفت اقتصاد پولی و شبکه حمل‌ونقل، مراکز بزرگ تجاری و انبارهای عمده که تاحدی در دوران پیش از اسلام کم‌اهمیت شده بودند، ایجاد شدند. یکی از این مراکز سیمره در کوه‌های زاگرس بود که در آن خرما، گردو، فندق و ... انبار می‌شد (اشپولر، ۱۳۷۳: ۲۲۳). در کتاب‌های مختلف تاریخی، از جمله اطلس تاریخ ایران، سیمره از دوره آل‌بویه به بعد دیده نمی‌شود که نشان می‌دهد این شهر بعد از این تاریخ حیاتی نداشته است. به‌طور کلی، مورخان و جغرافی‌دانان از محدوده‌ای که دره‌شهر امروزی در آن واقع شده است با نام «مهرجان‌قذق»، «مهرجان‌گدک»، «ماسبدان» و «سیمره» یا «صیمره» یاد کرده‌اند (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲). بعد از اتابکان لر، حکومت دره‌شهر را والیان ابوقداره، از جمله حسین خان، غلامرضا خان و حسینقلی خان ابوقداره به‌دست گرفتند که با پرداخت خراج سالیانه به حکومت مرکزی، دره‌شهر را در اختیار داشتند. از سال ۱۳۳۸ ه.ش، دره‌شهر که یکی از بخش‌های ایلام بود، برای مدتی جزو توابع شهرستان خرم‌آباد شد و سپس در تقسیمات جدید

کشوری به یکی از شهرستان‌های ایلام تبدیل شد (ارجمندی، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶).

موقعیت جغرافیایی تنگه بهرام چوبین و سنگ‌نگاره‌ها

در هشت کیلومتری مسیر دره‌شهر- پل‌دختر و در دل یکی از دره‌های باریک کبیرکوه، تنگه باستانی شگفت‌انگیزی قرار دارد که به‌گفته کارشناسان میراث فرهنگی، شکارگاه بیلاقی و بنابر روایاتی، تفرجگاه و یا مخفیگاه «بهرام چوبین»، سردار بنام ساسانی، بود. این منطقه بنابر تقسیم‌بندی کارشناسان میراث

از جمله باقی‌مانده‌های بناهای مسکونی این دوره، برجک‌های نگهبانی، آب‌انبارها و ...، پوشیده است که متناسب با شرایط طبیعی کبیرکوه و با یک نقشه و مدل از پیش تعیین‌شده و با مصالحی از سنگ و ساروج یا آهک و گچ ساخته شده‌اند (تصویر ۴). در گذشته، این تنگه بر اثر رانش زمین ریزش کرده و به همین دلیل، راه ورودی به داخل بناهای شاه- نشین آن مسدود و صعب‌العبور شده است. در اثر این رانش و ریزش، تکه‌سنگی بزرگ از کوه جدا شده که در یکی از جداره‌های آن، تصاویری از زندگی کوه‌نشین، دامداری، چراگردی و ... دیده می‌شود.



تصویر ۲: موقعیت جغرافیایی تنگه بهرام چوبین (نگارندگان)



تصاویر ۴: آثار معماری درون تنگه بهرام چوبین (نگارندگان)

تصویر ۳: ورودی قلعه و نمایی از ریزش دهانه تنگه (نگارندگان)

مکان ایجاد نقوش

سنگ‌نگاره‌های تنگه بهرام چوبین به صورت تکه‌سنگی بسیار بزرگ، از دیواره کبیرکوه کنده شده و در گوشه سمت چپ ورودی تنگه قرار گرفته‌اند. طبق شواهد طبیعی (سنگ‌ریزه‌های کف رودخانه و ...) و انسانی (پل) موجود، در گذشته میان این

فرهنگی، محل اقامت سه طبقه از طبقات اجتماعی آن روزگار، یعنی طبقه عامه (در پایین دست تنگه آثار معماری آنها برجا مانده است)، طبقات متوسط (آثار معماری آنها در اواسط راه ورودی تنگه و در سایه‌سار کامل کوه قرار دارد) و طبقه حاکم‌نشین بود.^۳ سراسر این منطقه از آثار معماری ساسانیان،

تکنیک اجرایی نقوش

تمامی این نگاره‌ها به‌روش کنده‌کاری و با وارد آوردن ضربه‌های متوالی و یا ایجاد خراش با جسمی نوک‌تیز بر بدنهٔ صخره حکاکی شده‌اند. این نقوش در قاب یا فضای مشخصی قرار ندارند که این امر می‌تواند ناشی از کنده شدن از فضای اصلی نقش باشد؛ زیرا با توجه به آثار مشابه در مناطق دیگر ایران، این نقوش باید درون فضا و کادری مشخص باشند.

کیفیت نقوش

عمق نگاره‌ها به‌دلیل گذشت زمان و تأثیر عوامل طبیعی به‌قدری فرسایش یافته که تقریباً با صخره همسطح و هم‌رنگ شده است؛ به همین دلیل به‌راحتی قابل رؤیت نیستند و تنها از زوایای مشخص تاحدودی دیده می‌شوند.

اندازهٔ نقوش

اندازهٔ نقوش تقریباً بین سه تا پنج سانتی‌متر است.

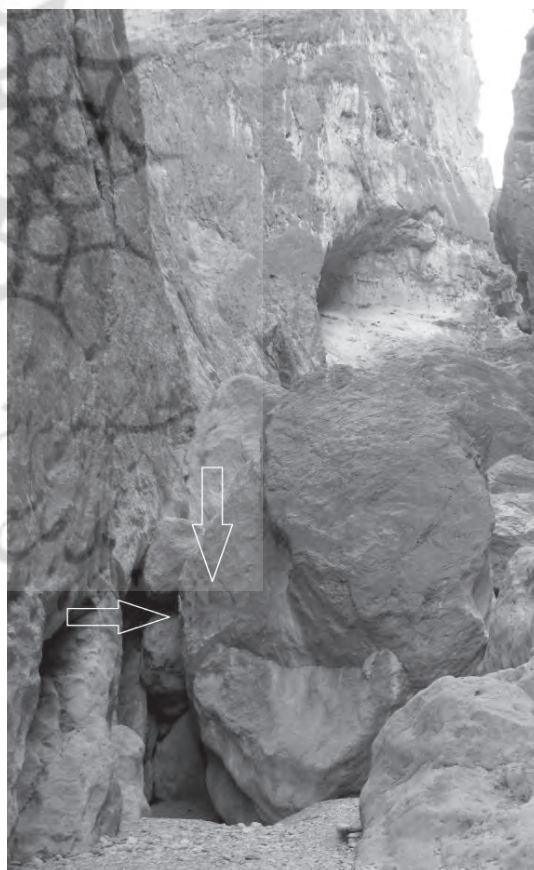
موضوع نگاره‌ها

در این مکان، سنگ‌نگاره‌ها دارای نقوش انسانی و حیوانی هستند. در اینجا، علائم و نشانه‌های نمادین و یا نقش‌های گیاهی موجود در بسیاری از سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران زمین دیده نمی‌شود. شاید این موضوعات، به‌دلیل فرسایش بیش از اندازهٔ این نقوش در اثر مرور زمان و عوامل طبیعی از بین رفته باشند.

نقوش حیوانی

نقوش حیوانی از جمله پرکاربردترین موضوعات مطرح‌شده در سنگ‌نگاره‌های باستانی ایران زمین هستند که از ارتباط مستقیم انسان‌های گذشته با طبیعت اطرافش ناشی شده‌اند. گاه این نشانه‌ها در بردارندهٔ مفاهیم اسطوره‌ای و گاه بیان‌کنندهٔ شیوهٔ

تنگه رودخانه‌ای جاری بود و با عبور از میان این تنگه، به‌راحتی می‌توانیم به ارتفاعات بلند کبیرکوه راه یابیم؛ در نتیجه، با توجه به این شواهد طبیعی و انسانی و گفته‌های اهالی بومی منطقه، می‌توانیم این مکان را مسیری پرفت‌وآمد و البته مهم در گذشته به‌شمار آوریم (تصویر ۵).



تصویر ۵: بالا، محل عبور رودخانهٔ جاری در تنگه و نشانه‌هایی از ایجاد پل برای ارتباط دوطرفهٔ ورودی تنگه پایین: مکان وجود سنگ‌نگاره‌ها، (نگارندگان)



معیشت و گذران زندگی آنها (شکار و ...) هستند. بنابر گفته لورا گوران، انسان‌های هنرمند نخستین معمولاً فقط به نقاشی جانورانی مشغول می‌شدند که در زندگی روزمره خود با آنها سروکار داشته‌اند (لورا گوران، [بیتا]: ۸۸). بز کوهی از جمله حیواناتی است که بیشترین نقش را در ذهن هنرمند برای به‌تصویر کشیدن آنچه مطلوب ذهن اوست، به خود اختصاص داده است. بز کوهی در تمامی مراکز فرهنگی دوران پیش از تاریخ و حتی دوران تاریخی ایران‌زمین، مظهر یکی از عوامل سودبخش طبیعت قلمداد می‌شد و به همین دلیل حضوری مستمر داشته است.

نقش بز

این نقش به‌صورت بزى ریشدار است که در حالی ایستاده و نیم‌رخ با تکنیک کنده‌کاری و ایجاد خراش روی صخره عرضه شده‌است. شاخ‌های حیوان گاه به‌شکلی اغراق‌آمیز، دایره‌ای را تشکیل داده و نوک آن‌ها به پشت حیوان رسیده است. این نقوش به‌صورت خطی و بدون حجم و به‌شکلی ساده و گویا، به‌دنبال هم و گاهی به‌صورت دو بز در روبه‌روی هم ترسیم شده‌اند. در زمینه این نقوش، خطوطی دیده می‌شود که تلاش هنرمند برای طبیعی جلوه دادن نقوش و تداعی‌کننده سطح زمین‌های اطراف است. نکته قابل توجه در این تصاویر، حالت سکون حیوانات است. در این مجموعه، حیوانات در حالت تحرک دیده نمی‌شوند. شاید یکی از دلایل نشان دادن این حالت، علاوه بر خام‌دستی هنرمندان یا سختی ارائه نقوش به‌دلیل سختی سنگ و ...، نشان دادن فضای چراگاه باشد؛ زیرا در این فضا، حیوانات غالباً در حالت ایستاده و ساکن هستند (تصویر ۶).

نقوش انسانی

تصویر انسان به‌صورت تمام‌رخ و اندام او به‌صورت



تصویر ۶: نقوش حیوانی تنگه بهرام چوبین (نگارندگان)

ساکن و بدون تحرک، روی صخره کشیده شده است. نقوش انسانی محدود که مانند نقوش حیوانی بر اثر عوامل مخرب طبیعی و ... در وضعیت بسیار نامناسبی قرار دارند، به‌صورت ایستاده و به احتمال بسیار زیاد در حال گله‌داری هستند؛ زیرا با توجه به نقوش بزهای کاملاً آرام و ایستاده نمی‌توانیم تصور لحظات پرجنب‌وجوش شکار را داشته باشیم. این مسئله بیشتر ممکن است نشانه‌ای برای به‌تصویر کشیدن زندگی چراگردی در این منطقه باشد (تصویر ۷). برای نمایش این دسته از نقوش، مانند نقوش حیوانی از حداقل خطوط استفاده شده است. سر و تنه آن‌ها نسبتاً مناسب و پاها معمولاً با خطوط ساده و به‌شکل‌های عدد ۸ ترسیم شده‌اند. به‌نظر

نمونه‌های مشابه نقوش سنگ‌نگاره‌ها در گستره فرهنگی دره‌شهر

نگارندگان به دو دلیل برای یافتن نمونه‌هایی مشابه نقوش سنگ‌نگاره‌های تنگه بهرام چوبین، به بررسی سایر اماکن و مناطق فرهنگی و هنری شهرستان دره‌شهر پرداختند. دلیل اول تلاش برای تاریخ‌گذاری و تعیین قدمت سنگ‌نگاره‌ها بود؛ زیرا در بررسی آثار هنری گذشته، یکی از راه‌های تعیین قدمت آن‌ها، یاری گرفتن از نمونه‌های مشابه و ملموس موجود در منطقه و یا سایر مناطق است که این کار علاوه بر تعیین قدمت آثار، راهی مناسب برای تشخیص تأثیر و تأثرات بین منطقه‌ای نیز به‌شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، این کار نشان می‌دهد که این هنر یا فرهنگ، بومی منطقه و حاصل فکر و اندیشه منطقه‌ای بوده یا اینکه خاستگاهی دیگر داشته و متأثر از آن بوده است.

دلیل دوم این بررسی، یافتن نشانه‌هایی از حاکمیت یک دیدگاه یا اندیشه اساطیری است. روشن است که در آثار فرهنگی و هنری گذشتگان این مرز و بوم، نگاه اساطیری که نگاهی غیرمستقیم برای دریافت و درک قدرت‌های ماورایی و آسمانی است، حاکمیتی گسترده و فراگیر داشته است.

نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین نمونه‌های مشابه نقوش سنگ‌نگاره‌های تنگه بهرام چوبین، آثار مفرغی موجود در موزه شهرستان دره‌شهر و ریتون و پیکرک‌های طلایی موجود در آرشیو میراث فرهنگی استان ایلام بود. در اینجا، پیکرک‌های مفرغی بز متعلق به هزاره اول ق.م و نمونه‌های طلایی آن که به احتمال بسیار زیاد به دوران تاریخی این سرزمین متعلق است، به دو صورت ریتون‌های مفرغی و پیکرک‌های کوچک این حیوان به‌دست آمد.

پیکرک مفرغی بز کوهی

یکی از نمونه‌های مشابه با نقوش سنگ‌نگاره‌های



تصویر ۷: نقوش انسانی تنگه بهرام چوبین (نگارندگان)

نگارندگان، سنگ‌نگاره تنگه بهرام چوبین نمایشی از دو صحنه هستند؛ از یک سو نمودی از زندگی گله‌داری هستند؛ زیرا حالت پراکنده و آرام و ایستای بزها در دامان طبیعت و ایستایی نقوش انسانی که در آن‌ها هیچ‌گونه شور و هیجانی، برخلاف صحنه‌های شکار و یا مراسم آیینی، دیده نمی‌شود چنین نگرشی را به ذهن نگارندگان القا می‌کند و از سوی دیگر، نمودی از صحنه‌های درحال شکار هستند که هنرمند به دلیل ناآشنا بودن با فنون خاص و پیشرفته و سختی سنگ، کار و ...، توانایی به تصویر کشیدن دقیق آن را نداشته است. دیدگاه دوم به دلیل نبود علائم و نشانه‌هایی مبنی بر اجرای چنین آیین‌هایی و نبود ابزار شکار در تصویر، کمتر قابل پذیرش است.



تصویر ۸: پیکرک مفرغی بز کوهی، هزاره اول ق.م (نگارندگان)



تصویر ۹: پیکرک مفرغی انسان، هزاره اول ق.م (نگارندگان)

تنگه بهرام چوبین، پیکرک‌های مفرغی بز کوهی موجود در موزه شهرستان دره‌شهر یا شهر سیمره است. این پیکرک‌های مفرغی که بسیار ساده و طبیعی و احتمالاً به صورت قالبی ساخته شده‌اند، در حفاری‌های انجام‌شده در این شهر به دست آمده‌اند (تصویر ۸).

پیکرک مفرغی انسان

پیکرک مفرغی انسانی موجود در موزه شهرستان دره‌شهر یکی دیگر از آثار مشابه با نقوش سنگ‌نگاره‌های تنگه است. این پیکرک که به هزاره اول ق.م تعلق دارد، به صورت تمام‌رخ و با استفاده از فن قالب‌گیری ساخته شده است (تصویر ۹). شکل‌دهی اندام این پیکرک بسیار ابتدایی است و همان‌گونه که در تصویر می‌بینیم، شکل دست و پاهای آن بدون هیچ‌گونه انعطاف و نرمشی، خشک

ریتون طلائی

این ریتون از جنس طلا و به شکل ترکیب با بدن بز کوهی ساخته شده است. انتهای جام ریتون، متصل به سر بز کوهی و بدنه جام درون شاخه‌ای این حیوان قرار گرفته است. در این اثر، بز کوهی دارای بال‌هایی گشوده به شکل پرندگان و به صورت ترکیبی از بدن حیوان و پرنده ساخته شده است. سراسر بال این حیوان و چشم‌ها و بدنه ریتون با استفاده از اشکال دایره‌ای آراسته شده است که به صورت حلقه‌های ریز تشکیل شده‌اند (تصویر ۱۰).

این نوع تزئین شاید طرحی مشخص و با الگویی معین بوده و طراحان در ساخت آن اندیشه‌ای نهفته، یعنی اتصال موجودی زمینی به موجودی آسمانی را درسر داشتند.

پیکرک‌های طلائی بز کوهی

پیکرک‌های بز کوهی از آثار دیگر موجود در آرشیو موزه استان هستند که دقیقاً مانند اثر بالا، به صورت ایستاده روی چهار دست و پا ساخته شده‌اند. سراسر این پیکرک‌ها نیز از تزئینات دایره‌ای پوشیده است. به گمان نگارندگان، این نقش تزئینی برگرفته از نقش لوتوس و یا طرحی برگرفته از نقش خورشید است. شاخ‌های این حیوان با پیچشی خاص و هنرمندانه و با تزئینات دایره‌ای شکل، در یک قوس نیم‌دایره‌ای کامل اجرا شده است. گردن این حیوان با همان نقوش دایره‌ای شکل، ولی بسیار فشرده‌تر، تزئین شده است. پیشانی و اندام، با نقوش ریز دایره‌ای شکل، در یک فرم مثلثی و اشکال هندسی دیگر، آراسته شده است (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰: ریتون طلائی به شکل بز کوهی، دوران تاریخی (آرشیو میراث فرهنگی استان ایلام)



تصویر ۱۱: پیکرک‌هایی طلایی به شکل بز کوهی، دوران تاریخی (آرشیو میراث فرهنگی استان ایلام)

تحلیلی اسطوره‌شناسی بر داده‌های به‌دست‌آمده

به‌تصویر می‌کشیدند. هر قوم باستانی بز کوهی را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می‌دانست؛ برای نمونه، به‌عقیده مردم باستان، شاخ‌های پیچدار بز کوهی، گاو و گوزن در نزول باران مؤثر بوده‌اند؛ به‌طوری که این نقوش به تلفیق و تأثیر عقاید جادویی یا مذهبی، به‌صورت مجسمه ساخته یا روی ظروف کنده شده‌اند. به‌عقیده مردم باستان، بز کوهی و گوزن مظهري از فرشته باران بودند (معصومی، ۱۳۴۸: ۶).

در شوش و ایلام، بز کوهی مظهر فراوانی و رب‌النوع رویدنی‌ها خوانده می‌شد (معصومی، ۱۳۴۹: ۳). طبق مدارک به‌دست‌آمده، شکار بز کوهی در ایلام هزاره اول ق.م، به این دلیل که آن را «مظهر فراوانی» می‌دانستند، به‌وسیله الهه‌ها یا سایر مردم عامی و عادی انجام می‌شد (ملکزاده، ۱۳۶۳: ۳۲).

منطقه حاصلخیز شوش و ارتفاعات پیرامونش و رودهای فراوان آن، در روزگاران کهن مهد تمدن ایلامی بوده‌اند که گستره آن بنابر تقسیمات امروزی، دربرگیرنده سرزمین‌های خوزستان، فارس و بخش‌هایی از استان‌های کرمان، لرستان و کردستان بوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱). ارتفاعات موجود در این جغرافیا، مکان بسیار مناسبی برای وجود و حضور بز کوهی و در نتیجه شکار و تهیه مایحتاج زندگی ایلامیان بود. هنرمندان ایلامی نیز همچون سایر اقوام کهن، صحنه‌های مربوط به مسائل روزمره زندگی خود را که بخش مهمی از آنها مربوط به شکار و برگرفته از اعتقادات اساطیری آنها بود، روی آثار خود، از جمله سنگ‌نگاره‌ها، ظروف فلزی و ... ،

۶۰). در متون ایلامی، مانند کتیبه‌های کول فرح^۴

و نقش‌برجسته‌های این منطقه، مدارکی درمورد شکار بز کوهی و قربانی کردن آن برای خدایان دیده می‌شود (آمی، ۱۳۷۲: ۳۶).

براساس مطالب بالا، به احتمال زیاد بز کوهی از جمله حیواناتی بوده که مظهري از عنصرهای طبیعت به‌شمار می‌رفت و مجسمه آن برای ستایش و پرستش ساخته می‌شد؛ بنابراین می‌توانیم آن را نوعی «توتم» به‌شمار آوریم که میان عقاید مختلف این سرزمین رواج داشته است. اینکه در گذشته بز کوهی را نماد و نشانی از فراوانی و مظهري از رویدنی‌ها می‌دانستند، در پیکرک‌های طلایی به‌دست‌آمده دیده می‌شود. همان‌طور که گفتیم، روی اندام این حیوان نقوش تزئینی دایره‌ای‌شکلی دیده می‌شود که احتمالاً تعریف و تعبیری از گردونه خورشید است که در ارتباط مستقیم با طبیعت قرار داشت. ترکیب نمادین طبیعت، خورشید، آب و بز کوهی نمی‌تواند تعبیری جز فراوانی نعمت و سرزندگی طبیعت باشد؛ بنابراین، شاید بی‌دلیل نباشد که تصاویر سنگ‌نگاره‌های تنگه بهرام چوبین، در مسیر عبور رودخانه‌ای که در دل این کوه جاری بود، به‌دست آمده است.

تاریخ‌گذاری نقوش سنگ‌نگاره‌ها

تعیین قدمت دقیق نقوش صخره‌ای طبق مطالعات صورت‌گرفته، کاری بسیار دشوار و متکی بر در نظر گرفتن عوامل متعدد دیگر است. کیفیت نقوش، نوع ماندگاری آن‌ها، وجود نقوش و علائم و نشانه‌های دیگر، مقایسه آن‌ها با نقوش مشابه به‌دست‌آمده در سایر مناطق و ... از عوامل مؤثر بر تعیین قدمت نقوش صخره‌ای به‌شمار می‌روند. با توجه به شواهد و قراین به‌دست‌آمده در بخش‌های قبلی، درمی‌یابیم که نگاره‌های صخره‌ای تنگه بهرام چوبین به هزاره اول ق.م متعلق هستند.

نتیجه

منطقه سیمره یا به تعبیر امروزی شهر دره‌شهر، براساس شواهد و مدارک باقی‌مانده در موزه این شهرستان و آثار به‌جای‌مانده در گوشه و کنار آن، دارای پیشینه بسیار غنی در فرهنگ و هنر است. سنگ‌نگاره‌های تنگه بهرام چوبین که یکباره توسط نگارندگان طی بررسی تنگه به‌دست آمد، شاهدهی بر این غنای فرهنگی است. نگارندگان با جست‌وجوی نمونه‌های مشابه با نقوش سنگ‌نگاره‌ها توانستند ابتدا مدارکی از شیوه‌های معیشتی و نوع غالب حیوانی موجود در این منطقه را به‌دست آورند و سپس ردپایی از حاکمیت یک اندیشه اسطوره‌ای، یعنی اندیشه زایش و رویدگی را در این منطقه شناسایی کردند. این پژوهش نخستین پژوهشی محسوب می‌شود که به این موضوع مهم پرداخته است. منطقه کبیرکوه طبق شواهد موجود، در گذشته منبعی بسیار غنی برای چراگاه و تأمین معیشت ساکنان ایلامی و ساکنان ادوار بعدی این منطقه بوده است. طبق مدارک باقی‌مانده، بز کوهی مهم‌ترین گونه حیوانی این منطقه است. نگارندگان تنها موفق شده‌اند آثاری را شناسایی کنند که معرف این گونه حیوانی است و این موضوع به‌معنای نبودن سایر گونه‌های حیوانی در این منطقه نیست.

به‌دلیل گستردگی نگاه اسطوره‌ای در گذشته‌های دور در فرهنگ و هنر ایران‌زمین، نگارندگان ترغیب شدند که این اندیشه را در تنگه بهرام چوبین بررسی کنند. وجود پیکرک‌ها و ریتون‌هایی که در ارتباط مستقیم با مراسم آیینی و ماورایی گذشته بود، این بار در قالب اندام بز کوهی نکته‌ای مهم برای پذیرش این اندیشه را در گستره این منطقه فراهم کرد. نوع تزئینات به‌کاررفته بر اندام این حیوان، یعنی نقش دایره که می‌تواند تعبیری از گردونه خورشید باشد نیز دلیلی دیگر برای اقناع مخاطبان به پذیرش حاکمیت این اندیشه اساطیری است.

1. Rock Art

2. Petroglyph

۳. البته این‌گونه تقسیم‌بندی متناسب با شرایط طبیعی منطقه بود و هیچ‌گونه سند یا نوشته معتبری در این زمینه وجود ندارد.
۴. در کول فرح که تنگه‌ای در هفت کیلومتری ایذه است، شش نقش برجسته (صحنه‌های عبادی و آیینی) و کتیبه‌هایی متعلق به دوره ایلامیان وجود دارد.

منابع

- آمیه، پیر، (۱۳۷۲)، *تاریخ ایلام*، ترجمه شیرین بیانی، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ارجمندی، رویا، (۱۳۸۷)، *بررسی قلعه‌های قاجاریه در استان ایلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (منتشر نشده).
- ابن‌خردادبه، (۱۳۷۰)، *المسالك الممالک*، ترجمه دکتر حسین قره‌چانلو، مترجم، تهران.
- اشپولر، برتولد، (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، علمی و فرهنگی، تهران.
- ایزدپناه، حمید، (۱۳۶۳)، *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، چ ۲، آگاه، تهران.
- ملکزاده، ملکه (بیانی)، (۱۳۶۳)، *تاریخ مهر در ایران*، یزدان، تهران.
- بیکمحمدی، خلیل‌الله، محسن جانجان و نسرین بیک‌محمدی، (۱۳۹۱)، «معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر-همدان)»، *مجله نامه باستان‌شناسی*، ش ۲، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- رضایی، مهدی و خیرالنسا جودی، (۱۳۸۹)، «اشکفت‌نگاره‌های هلوش»، معرفی، توصیف، تفسیر و گاهنگاری، *سایت مجله علمی ترویجی انسان‌شناسی و فرهنگ*.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، (۱۳۸۱)، «سنگ‌نگاره‌های ارسباران (سونگون)»، *مجله نامه انسان‌شناسی*، د ۱، ش ۱، صص ۴۵-۷۶.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، (۱۳۶۸)، «دره‌شهر»، *شهرهای ایران*، ج ۳، جهاد دانشگاهی، تهران.
- لک‌پور، سیمین، (۱۳۸۹)، *کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در دره‌شهر (سیمره)*، پازینه، تهران.
- لورا گوران، آندره، [بی‌تا]، *دانسته‌ها و ندانسته‌های تاریخ هنر*، ترجمه نورالدین فرهیخته، پوشش، [بی‌جا].
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۷۰)، *تاریخ تمدن ایلام*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- معصومی، غلامرضا، (۱۳۴۸)، «ساغرهای مفرغی لرستان»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۲۰ و ۲۱، صص ۲۱-۴۴.
- معصومی، غلامرضا، (۱۳۴۹)، «نقش بز کوهی بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۲۸، صص ۲۵۵-۲۹۲.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، (۱۳۶۱)، *احسن‌التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران.
- Stein, Sir Aurel, (1940), *Old Routes of Western Iran*, London.